



گفت‌وگویی معلمان
با دکتر خسرو باقری
استاد فلسفه تعلیم و تربیت

زینب وکیل

معلم علوم متوسطه اول، تهران

عکس: غلامرضا بهرامی

فضای مه‌آلود ارزشیابی

برگه‌های تصحیح شده بچه‌ها در نایلونی همراهم است. وارد حیاط مدرسه می‌شوم. زنگ ورزش است و بچه‌ها در حال والیبال بازی کردن هستند. سارا توپ را گرفته است تا سرویس بزند. مرا که می‌بیند منصرف می‌شود و دوان دوان، با چشمانی که برق مخصوصی دارد، به طرفم می‌آید و می‌گوید: «خانم برگه‌ها را صحیح کردید؟! خانم خانم! تو رو خدا برگه‌ها را بدید ببینم» سارا شاگردی است که جز به بیست راضی نمی‌شود و روزهایی که قرار است برگه‌ها را تحویل بدهم، خجالتی‌تر از همیشه است و انرژی کمتری دارد. نمرات صبا معمولاً بین پانزده تا هجده در نوسان است. او را صدا می‌کنم و حالش را می‌پرسم. به آرامی جوابم را می‌دهد و با نگرانی از نمره‌اش می‌پرسد. با خود فکر می‌کنم مگر این دو نفر چه قدر تفاوت نمره دارند؟ واقعاً دو نمره کمتر یا بیشتر چه چیزی را از دانش یا مهارت یک فرد نشان می‌دهد؟ ارزشیابی همواره با تقریب‌هایی همراه است.

شماره هفتم و هشتم مجله رشد معلم در گفت‌وگویی با دکتر خسرو باقری به موضوع ارزشیابی می‌پردازد. بحث ارزشیابی در دو مقام عام و خاص مورد بررسی است، مقام عام یعنی جریان تربیت انسان که اختصاص به مدرسه ندارد، هم در محیط خانه، هم محیط اجتماع و... وجود دارد. اما مقام خاص فقط به مدرسه و کلاس محدود می‌شود. در ارزشیابی عام به عمل فرد و ساختار عمل و اینکه چه مشخصاتی و چه ابعادی دارد، می‌پردازیم.

بعد درونی عمل

عمل آدمی ابعاد درونی دارد و جنبه‌های شناختی در آن متصور است. یعنی می‌توان ملاحظه کرد که فرد چه تصویری از آنچه می‌خواهد به آن اهتمام ورزد دارد و انگیزه و علایق او چیست؟ چه سلبی و چه ایجابی؛ دیگر اینکه چه تصمیمی برای انجام کار دارد. این‌ها در عین حال که دیده نمی‌شوند و جنبه باطنی دارند اما کیفیت و کمیت عمل فرد به آنها بستگی دارد.

بعد بیرونی عمل

اصل هر عمل بعد بیرونی آن است. وقتی مقدمات انجام عمل سپری شد، نوبت اقدام و بروز عمل فرا می‌رسد که می‌تواند بیرونی یا درونی باشد. قسمت بیرونی یا آشکار عمل، تبدیل به یک رخداد می‌شود که مانند هر رخدادی، آثاری به جا می‌گذارد. همه این آثار دست خود عامل نیست بلکه مانند تیری است که از کمان خارج شده است. البته آثار برخی از اعمال به خود ما بر می‌گردد و مبانی عمل (میل و شناخت و تصمیم) را تثبیت می‌کند. اعمال ما آثاری در

درون ما و آثاری در جهان خارج (اعم از انسان‌ها، اشیا و محیط طبیعی) می‌گذارد.

ارزشیابی عمل

اگر برای عمل دو بعد بیرونی و درونی را لحاظ کنیم، ارزشیابی نیز دارای دو عرصه درونی و بیرونی است. ارزشیابی درونی بیشتر به خود فرد بر می‌گردد مثل اینکه بداند نیت او از عمل چیست. در عرصه‌هایی مثل اخلاق و اعمال اخلاقی ارزشیابی عمل در جنبه‌های درونی بسیار مهم است. جنبه‌های اخلاقی به خود فرد مربوط است. هیچ کسی نمی‌تواند نیت



یک مقدار از ارزیابی عمل وابسته به آثار بیرونی عمل است که بر محیط یا بر انسان‌ها اثر می‌گذارد. یک مقداری اثر عینی دارد، می‌توان جنبه‌های عینی یا آثار خوب و بد را ارزیابی کرد، اعمال ما یک جنبه تفسیری دارد که همان توجیهاست است. گاهی احساس می‌کنیم که قضیه خیلی عینی نیست بلکه ما داریم توجیه می‌کنیم، در مسائل عینی می‌توان تا حدود قابل توجهی به توافق رسید، ولی مسائل غیرعینی قابل مخالفتند. وقتی دو نظر مختلف می‌بینیم وارد عرصه ذهنی شده و داریم تفسیر می‌کنیم. آدمی این ویژگی را دارد که کار بد خود را توجیه می‌کند. در این مواقع باید از طریق گفت‌وگو به نتیجه رسید، اینجا معیار «بین‌الذنهانی شدن» است. فقط با ذهن خودمان نباید داوری کنیم. چون اگر ذهن ما بخوهد فراتر از عینیت برود هیچ تضمینی برای عدم خطا وجود ندارد. یک راه، خواستن نظر دیگران است تا به تعادل برسیم. پس باید دیگران را دعوت کنیم و ضمن گفت‌وگو با آنها ببینیم که کجای کار هستیم. این بخش تفسیری بخش دشواری است، چون شاید لازم شود به خودمان نمره منفی دهیم و رهایی از این بخش مشکل فقط با «بین‌الذنهانی کردن» داوری است. البته در مورد اجماع نیز نمی‌توان گفت همیشه درست است اما شانس درستی در این حالت بیشتر است.

بله، سوگیری‌های ما یکی از مشکلات ارزشیابی است، مثلاً خودسوگیری باعث می‌شود ما ایرادهای کار خود را نبینیم و این طبیعی است. زیرا ما از همه به خودمان نزدیک‌تر هستیم. ایرادهای خود را کوچک‌تر و محاسن خود را بزرگ‌تر می‌بینیم! درست برعکس دیگران. اینجا چه باید کرد؟ یک حرکت معکوس! یعنی عیب‌های خود را بزرگ‌تر ببینیم و محاسن خود را کوچک‌تر. در مورد دیگران، در جنبه اجتماعی، برعکس می‌شود، یعنی باید عیب‌های دیگران را کوچک‌تر و خوبی‌هایشان را بزرگ‌تر بگوییم تا به نقطه عدالت برسیم. آدمی اصولاً باید متواضع باشد، چون آتش فشانی در درون اوست که می‌خواهد فوران کند و بر همه مسلط شود. ولی تواضع مانع این کار می‌شود. ما باید واقعیت‌ها را بشناسیم و چون قبلاً تحریفی رخ داده پس باید تحریف دومی اتفاق بیفتد تا درست شود یعنی باید آنی بشویم که هستیم.

معلم: چیزی که در ارزشیابی و خودارزیابی مهم است مرز توجیه شخصی و عقلانیت است. در این باره کمی توضیح دهید.

برای مشخص شدن مرز بین تلقی‌های شخصی و آثار واقعی و عقلانی اعمال و رفتار باید سراغ جنبه بیرونی آثار رفت.

فرد دیگر را بخواند و این خود فرد است که باید ببیند نیت یا تصمیم او در اینجا چه بوده است. نیت یا همان اندیشه‌ای که به تصمیم منجر می‌شود در عمل ما نقش مهمی دارد.

معلم: زمانی انگیزه به عمل منجر می‌شود که دو عامل یا سبب موجود باشد. اول اینکه فرد توان انجام عمل را داشته باشد و دوم اینکه مسلم بدانند که نفع این عمل از ضررش بیشتر است. بفرمایید در بحث عاملیت انسان این دو نکته چه جایگاهی دارد؟

این خیلی مهم است، فرد کاری را که می‌خواهد انجام دهد، همیشه مورد ارزشیابی قرار می‌دهد. این ارزشیابی گاهی برای عمل و گاهی بر عمل است. همین که فرد می‌گوید آیا من می‌توانم این عمل را انجام دهم یا نه؟ و چه تصویری از توانایی خود دارد، ارزشیابی برای عمل است. بخشی از ارزشیابی که قبل از اقدام به عمل، توانایی‌ها و انگیزه‌های خود را ارزیابی می‌کنیم. علائق هم مهم است، چون وقتی علاقه نباشد عمل به خوبی انجام نمی‌شود. اینجاست که شناخت، علائق و نیت نهایی در ارزشیابی قبل از عمل و نیز بعد از عمل وارد کار می‌شود.

معلم: آیا ما در خودارزیابی دچار خطا نمی‌شویم؟

در مقام دانش‌آموز

ایمان‌دهدشتی‌نسب

دبیر فیزیک، استان خوزستان

دارد که خود را همه چیزدان نشان دهد. گویی همه چیز را می‌داند و دیگر چیزی برای کشف کردن در سخن طرف مقابل برایش باقی نمانده است. اینجاست که جریان یادگیری در فضای گفت‌وگو قطع می‌شود. گفت‌وگو وقتی ثمربخش است و باعث

«در راه خویش ایثار می‌باید، نه انجام وظیفه...» مارگوت بیگلر، شاعر آلمانی یکی از آسیب‌های فضای تعامل در این است که گاهی فرد، تنها خود را موظف و آماده پاسخ‌گویی به طرف مقابل می‌داند. گویی علاقه



؟؟؟

معلم: در کنار اجماع و نظر عقلا معیار دیگری وجود ندارد؟

گاهی فقط دو تفسیر وجود دارد و عینیت وجود ندارد. مثلاً دانش‌آموزی چیزی نوشته و من از آن همان را می‌فهمم که خودش فهمیده است. یعنی اینجا تفسیر من و او یکی است، اما گاهی دانش‌آموز مدعی می‌شود که ورقه او را با سوگیری تصحیح کرده‌ایم. در اینجا اجماع به درد می‌خورد تا نظر درست معلوم شود و برای درک درست نظر تفسیری، یا باید به اجماع روی آورد و یا به تبادل نظر با طرف مقابل پرداخت تا به واقعیت نزدیک‌تر شد. باید یادآور شوم که ارزشیابی قطعی نیست و تقریبی است. ارزیابی عمل آدمی چنین است که آن مقداری که معلوم است و آن مقداری که نامعلوم است ارزیابی می‌شود، پس تقریبی است و باید این را به دانش‌آموز و پدر و مادر او یادآور شد. علاوه بر این ما یک امر ذهنی را می‌خواهیم عینی کنیم و این با تقریب همراه است؛ چون من به‌طور دقیق ذهن دانش‌آموز را نمی‌بینم. من شکاری را در تاریکی می‌بینم و با تقریب آن را مورد هدف قرار می‌دهم. ما در یک فضای مه‌آلود کار می‌کنیم. پس باید حساسیت دانش‌آموز را در کسب نمره از بین ببریم.

معلم: ارزشیابی در نظام آموزش و پرورش تقریبی است ولی ما تلاش می‌کنیم آن را به عینیت نزدیک کنیم، در حالی که این فرایند، ذاتش تقریبی است و این در حالی است که والدین از ما فقط نمره می‌خواهند.

ما با والدین بیگانه نیستیم. باید به والدین توضیح داد که اصولاً ماهیت ارزشیابی تقریبی است تا بدین‌وسیله اضطراب آن‌ها کم شود. منظور این نیست که نمره ۱۲ با نمره ۹ یکی است ولی واقعاً نمره ۱۲ و ۱۴ خیلی فرق ندارند.